

فاشیسم اسلامی علیه پناهندگان افغانستان!

کاظم نیکخواه، صفحه ۲



کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۹۲

۲۳ تیر ۱۴۰۴

۱۴ ژوئیه ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره مصوبه مجلس اسلامی تحت عنوان "تشدید مجازات

جاسوسی" صفحه ۷

بهانه افغانستانی ستیزی از سر بار بودن نا جاسوسی برای اسرائیل - مهران محبی صفحه ۵

از اتحاد ملی تا اتحاد انسانی؛ برتری جویی یا برابری طلبی - یاشار سهندی صفحه ۳

پشت مرزهای نان و نژاد: جنایت سازمان یافته علیه پناهندگان افغانستانی

ناصر اصغری، صفحه ۸

اعتصاب کارگران آلومینیوم اراک (ایرالکو) صفحه ۴

اعتراضات کارگران ایرالکو و ماشین سازی اراک

اولتیماتوم کارگران ایرالکو به مدیریت، صفحه ۲

اعتراض زندانیان فشافویه و بیانیه دو نهاد اعدام نکند و دادخواهان علیه حکم اعدام پنج نفر از

بازداشت شدگان زن زندگی آزادی و اخباری دیگر صفحه ۹

۱۷ تیر: ادامه سه شبه های نه به اعدام در ۴۷ زندان کشور صفحه ۱۱

چند تجمع و اعتراض علیه گرانی ها و دزدی ها و بیانیه ای در دفاع از شهروندان افغانستانی

صفحه ۱۲

۲۲ تیر: چند تجمع و اعتراض علیه گرانی ها و دزدی ها و بیانیه ای در دفاع از شهروندان

افغانستانی صفحه ۱۴

اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک، طومار اعتراضی کارگران در عسلویه، و خبری دیگر

صفحه ۱۵

مدیای اجتماعی

علیه اخراج افغانستانی ها و اعدام ها اعتراض کنیم! صفحه ۹

اخراج شهروندان افغانستانی سرکوب طبقه کارگر و کل جامعه است، صفحه ۱۴

در باره بیانیه میرحسین
موسوی: گذار نرم بختی
ندارد!

حسن صالحی، صفحه ۶

ادامه اعتصاب کارگران
آلومینیوم اراک (ایرالکو)

صفحه ۱۳

نانوایان دوباره به میدان

می آیند صفحه ۸

کارگران در هفته ای که

گذشته صفحه ۱۰

مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی و لغو مجازات اعدام

حسن صالحی، صفحه ۶

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۲

تجمع اعتراضی نانوایان در

تهران و خبری دیگر

صفحه ۱۵



فاشیسم اسلامی علیه پناهندگان افغانستانی!

کاظم نیکخواه

حکومت اسلامی بعد از آتش بس اش در جنگ ۱۲ روزه، موجی از دپورت و اخراج پناهندگان افغانستانی را به جریان انداخته و گفته میشود طی همین دو هفته اخیر نزدیک به نیم میلیون نفر از این پناهندگان را به شیوه وحشیانه و فاشیستی رد مرز کرده است. کودکان و افراد سالخورده زیادی در میان این پناهندگان هستند و در شرایط گرما و بی امکاناتی و شرایط جهنمی موجود، زندگی شان در خطر جدی است. به علاوه و مهمتر اینکه این پناهندگان اکثرا سالها در ایران زندگی کرده اند و مسکن و امکاناتی در افغانستان ندارند. بسیاری از آنها کارگرانی هستند که حتی حقوق و طلبهای آنها توسط کارفرمایان مفتخور و حریص بالا کشیده شده است و بدون هیچ پرداختی، توسط اوباش و نیروهای جنایتکار حکومت اسلامی از محیط کار بیرون کشیده شده و اخراج می شوند.

حمله به پناهندگان افغانستانی در واقع حمله ای به کل مردم و کل جامعه است. پناهندگان آسیب پذیرترین بخش جامعه اند و جمهوری اسلامی دقیقا به دلیل اینکه آنها را هدف ساده ای میداند، سراغ آنها رفته است تا بتواند بعد از آن به بخشهای دیگر جامعه نیز یورش بیاورد.

ما مردم باید این تعرض و حملات را به هر شکل ممکن محکوم کنیم و با آن مقابله نماییم. نباید پناهندگان را بی دفاع رها کنیم. هرکس هر امکان و صدایی دارد باید علیه این فاشیسم ضد انسانی، فریاد بزند. حرکت مردم در سیستان و بلوچستان که به پناهندگان رد مرز شده کمک رسانی کردند و آب و غذا و امکانات رساندند بسیار زیبا و آموزنده و الگو بود. این نوع حرکت ها را باید تکرار کنیم و گسترش دهیم. صدای انسانیت را باید بلند کنیم. در رسانه های اجتماعی باید علیه جمهوری اسلامی افشاکاری کنیم. بیانیه هایی نیز از جانب هنرمندان و تشکلهای کارگری و

اجتماعی در دفاع از افغانستانی ها منتشر شده، از جمله شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، تشکلهای مدافع حقوق کودک، کانون نویسندگان، شورای بازنشستگان ایران، سندیکای شرکت واحد و اخیرا شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و شورای سازماندهی کارگران ارکان ثالث نفت داده شده است و نیز کمک رسانی های مردم از بلوچستان و کرمان که نمونه های بسیار خوبی از همبستگی طبقاتی کارگران را نشان میدهد.

جمهوری فاشیست اسلامی در وضعیت مهلک و سراسیمه سقوط قرار دارد. تردیدی در این نیست. در این شرایط این نیروی منفور و جنایتکار و ضد انسانی تلاش میکند با حمله به پناهندگان، با گسترش اعدامها، با دستگیری فعالین و امثال اینها به عمر منحوس خود بیفزاید. ما مردم ما کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان و همه مردم باید در برابر این نیروی خبیث و جنایتکار بایستیم و به اشکال مختلف تعرضاتش را سد کنیم. ما بسیاریم و آنها در حال افول و اضمحلالند. با مبارزات و فعالیتهای و افشاگریها و اعتراضات خود، سرنگونی این فسیلهای ضد بشری را تسریع کنیم.



اعتراضات کارگران ایرالکو و ماشین سازی اراک

اولتیماتوم کارگران ایرالکو به مدیریت

حدود چهارصد نفر از کارگران کارخانه آلومینیوم اراک (ایرالکو) که از دو هفته قبل در اعتراض بودند روز گذشته به مدیریت اولتیماتوم دادند که اگر تا شنبه ۲۱ تیر پاسخ نگیرند به اعتراض گسترده تری دست خواهند زد. این کارگران به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین اخراج چند تن از همکارانشان شديدا اعتراض دارند. بعلاوه اینکه بن کالای رانندگان قرار دادی که با وانت و نیسان شخصی خود در کارخانه مشغول به کار هستند نیز قطع شده است. اعتراضات این کارگران در فضای کارخانه بسیار تاثیر گذارده است. در این کارخانه ۴۰۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند که بخشی از آنها پیمانی هستند.

ماشین سازی اراک

روز گذشته هفدهم تیرماه کارگران ماشین سازی اراک که در نزدیکی ایرالکو قرار دارد بخاطر مشکلات کاری و معیشتی خود بصورت قاشقزنی در ناهارخوری دست به اعتراض زدند.

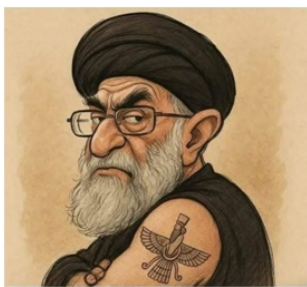
اعتراض این کارگران به سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت بموقع حقوق و مزایای مزدی خود، تعویق هفت ماهانه پرداخت حق بیمه و قطع شدن خدمات درمانی حداقلی، عدم پرداخت حق اضافه کاری برخی از کارگران، و سوءاستفاده مدیریت از وجوه مالی کارکنان و دزدی های پست پرده است. ماشین سازی اراک در اردیبهشت

ماه از ساخت و نصب راکتورهای فوق سنگین پتروشیمی رونمایی کرد. در این کارخانه نزدیک به چهار هزار کارگر به کار اشتغال دارند.

کارخانجات آلومینیوم (ایرالکو)، ماشین سازی، هپکو، واگن پارس، آذر آب و کمباین سازی همه به فاصله پنج کیلومتری یکدیگر قرار دارند و با مشکلات کاری و معیشتی یکسانی روبرویند. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مبارزات کارگران در این مراکز تاکید دارد.

امروز همچنین تجمع بزرگی از سوی مالباختگان بورس در مقابل ساختمان سازمان بورس در تهران برگزار شد و جمعیت با بلند کردن فریاد اعتراضی خود پیگیر اندوخته هایشان بودند. در برابر چپاولهای حکومت جنبش مالباختگان یک جنبش قدرتمند است که مستقیما حاکمیت را به چالش می کشد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۸ تیر ۱۴۰۴، ۹ ژوئیه ۲۰۲۵



از اتحاد ملی تا اتحاد انسانی؛ برتری جویی یا برابری طلبی - یاشار سهندی

این وطن دوستان حکم صادر کردند: "همه در مقام نخست ایرانی هستیم"، در واقع این یک حکم فاشیستی است. این اشاره مستقیم به "قوم برتر" است. همانگونه که جمهوری

اسلامی روزگاری تاکید داشت همه در ابتدا مسلمان هستیم بعد ایرانی.

طبق این حکم مردمان ساکن در محدوده جغرافیایی که ایران نام دارد به "قوم، ملیت، اتیک" و "دیگران" تقسیم کرده اند و بعد مدعی میشوند: "با این رژیم اسلامی نه با جنگ که با اتحاد ملی باید مقابله کرد... آنچه این روند را تسهیل می بخشد تنها اتحاد ملی ماست." «نجات ملی» (کلید واژه این دوره تاریخی ست. همه مردمان از همه آحاد کشور: کردهای ما، ترک زبانهای ما، فارسها، عربها، بلوچها و همه دیگران، همچون کارگران و معلمان، روشنفکران، کارمندان، مبارزین مدنی و همه دلسوزان وطن که دل درگرو گذار از این رژیم دارند، و خواهان یک میهن توسعه یافته و یک نظام سکولار دمکرات و بدون تبعیض اند، برای نجات وطن، یک قامت همبسته را پی می ریزند. قامت ایران. "عطا هودشتیان - اختلاط معنا در مفهوم وطن دوستی") قامت که ایشان از ایران ترسیم میکنند، قامتی به شدت آشفته و از پیش مهر تبعیض بر خود دارد. ایشان به "قوم، ملیت، اتیک" به چشم ملک خصوصی نگاه میکنند. "کردهای ما، ترک زبانهای ما، فارسها، عربها، بلوچها" مال خودشان نیستند مال وطن دوستان است. "همه دیگران"، در قبال یک خودی، دیگری حساب میشوند. آن خودی، برتر از دیگران است. این دیگران تنها وقتی به رسمیت شناخته میشود که "برای نجات وطن" زیر پرچم آن نیروی برتر یا فرد برتر قامت برافرازد. (یاد هیتلر و موسولینی به خیر نباشد!)

آن نیروی برتر یا فرد برتر یا "نام ها و نشانها(ی که) صاحب ارزش اند" تعیین میکند که "همه دیگران" کلیم شان چه اندازه است و به همان اندازه حق دارند پایشان را دراز کنند. به فریب آشکار مدعی اند: "... هیچ برتری میان گروههای مردمی (بخوان قوم، ملیت، اتیک) نسبت به یک دیگر، وجود ندارد. در ایران ما، هر واحد انسانی تنها و تنها یک «شهروند» (است و دارای حقوقی برابر. «همان منبع) این شهروند که شامل همه دیگران است برابری حقوقی شان حد و اندازه دارد در حد "تدوین قانون اساسی، تشکیل دولت و مجلس موسسان". و همه اینها تنها برای "برپایی توسعه و آبادانی میهن" است، و نه بیشتر. صحبت از شادی و رفاه و آزادی و برابری تا اطلاع ثانوی که در بهترین حالت یک دیکتاتور مصلحی تشخیص بدهد که زمان آن رسیده که توسعه اقتصادی تکمیل شده (و اگر سرطان نگیرد و نمیرد) آنوقت شاید دستور دهد توسعه سیاسی در دستور کار قرار گیرد، باید فراموش شود. در ایرانی که ایشان مدعی هستند از پیش یک عده "غیر شهروند"، "مهاجر" محسوب میشوند. "افغانستانها"؛ این مردمان که با تلاش و کارشان در "توسعه و آبادانی میهن" سهم بسزایی داشتند و دارند از پیش محکوم به تبعیض و ستم هستند، چون محل تولدشان آن طرف مرز وطن است. این مردمان تا آنجا مهم هستند که "ریشه تمدنی مشترک" با این "کهن دیارا" دارند. بیشتر از این غیر شهروند هستند؛ یعنی میتوان در حق شان تبعیض قایل گردید. به ایشان توهین کرد. تحقیرشان کرد؛ و ادارشان کرد که نه از وسط کوچه، بلکه با ترس و لرز مماس با دیوار آنهم برای تهیه مایحتاج اولیه گذر کنند.

وطن دوستی ایشان، یعنی عشق به کهن دیاری که بیش از ۲۵۰۰ سال "تاریخ

جنگ ۱۲ روزه اسراییل با جمهوری اسلامی سببی شد که مشخص شود جمهوری اسلامی در مقابل حملات نظامی "دشمن" بی دفاع است. "حضرت آقا" بعد از بیست روز مخفی شدن در سوراخش، که موشهای کور را هم به عذاب انداخته بود، در شب عاشورا در میان ذوب شدگان ولایتش ظاهر شد. این بار اما فرصتی نبود که بر تنهایی حسین اشکی بریزد که توشه ای فراهم کرده باشد برای آخرت؛ تا ملانک این گریه را در نامه اعمالش بنویسند، این بار بر تنهایی خود و سرنوشت محتوم خود گریست.

دیگر از هارت پورت "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" خبری نبود. از کلاغ بیت اش خواست برایش "ای ایران ایران" بخواند. شاید دل مردمان نرم شود. ترانه ای که تحریف شد و در این تحریف معلوم شد نگاه آنها به "ایران" نگاهی است از سر غارتگری. وقتی محمود کریمی بد کردار و بد گفتار عر زد: "ای میهن خدایی/سهم امام رضایی؛" در واقع "امام رضا" اشارتی بود به آخوند جماعت که بقول آن زن شجاع خوزستانی به مانند هجوم ملخ به یک مزرعه به جان میهن خدایی (ام القرای سابق اسلام) افتادند.

جماعتی (۴۵۰ نفری) از حامیان و کاربدستان دیروز و امروز حکومت اسلامی در بیانیه ای از سر "میهن پرستی" مدعی شدند: "ایران وطن همه ی ماست." بسیاری از ایشان که باید جوابگویی اعمال خود در نیم قرن گذشته باشند، به تنها شیوه ای که میشناسند یعنی تهدید و ارباب، بر رسانه رقیب حمله بردند که سخنگوی دولت اسراییل شدند؛ و اگر یک نگاه به خودشان بیندازند که چگونه در مقام "عمله استبداد" به دفاع از یکی تبه کارترین حکومتها در این "وطن کهن" برخاستند که خون مردم را به هر شیوه ممکن و غیر ممکن در نیم قرن گذشته در شیشه کرده است، باید زبان به کام میگرفتند. این جماعت که برخی از آنها مستقیما دست شان به خون مردم آلوده است، سرنگونی حکومت اسلامی را مساوی با محو شدن خود در عالم سیاست ایران میدانند، و تنها راه نجات خود را به مانند خامنه ای در "میهن دوستی حيله گرانه" یافته اند.

چنگ انداختن به ریسمان میهن دوستی، روی دیگر "حَبَلِ الله" (ریسمان الهی) است. که طبق وعده الهی قرار بود محکم ترین ریسمانها باشد. اما این ریسمان پوسیده آخرین رشته اش در حال گسسته شدن است.

جمهوری اسلامی امروز که بیشتر از هر زمان دیگری در تنگنا افتاده و سرنگونی خود را با چشم خود به تماشا نشسته است و با تمام پوست و گوشت خود آترا حس میکند، از ثارالله، حسین نامیدانه گذر کرده، دیگر کشتار یک روزه پنج هزار نفر توسط سپاهیان علی، و نیز "واعدوالهم ما استطعتم من قوه" روی پرچم سپاه، نه تنها کسی را نمی ترساند بلکه قوت قلبی هم برای سپاهیان اسلام نیست، بدین سبب به "تاریخ باشکوه ۲۵۰۰ سال" ایران دست درازی کرده است، تا شاید مفری جسته باشد.

از سوی دیگر کسانی که خود را صاحب راستین "میهن دوستی" میدانند از "میهن دوستی حيله گرانه" جمهوری اسلامی به خشم آمدند. چون جمهوری اسلامی با چنگ انداختن به ریسمان میهن دوستی در واقع نشان میدهد پشت میهن دوستی هیچی نیست جز دوام تبعیض و نابرابری و سرکوب.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



جز صد و هفتاد نفر نیروهای ترابری و حمل و نقل که زیر نظر پیمانکار مشغول کار میکنند کلیه پرسنل شرکت نیروهای قرار داد مستقیم کارخانه هستند.

اعتراضات کارگران ایرالکو در کارخانجات همچوار نیز که مشکلات مشابهی دارند بازتاب بسیاری داشته و هم اکنون کارگران در ماشین سازی اراک با چهار هزار کارگر نیز در اعتصاب هستند. حزب کمونیست کارگری از اعتراضات این کارگران پشتیبانی کرده و کارگران در دیگر مراکز کارگری هم جوار این کارخانجات را به همبستگی با این کارگران و پیوستن به این اعتصابات فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ تیر ۱۴۰۴، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵

اختیار زندگی همه دیگران را به دست دارند. و میتوانند به جنگ دشمن خارجی بروند و این "همه دیگران" بدون حتی یک سوال، باید آماده جان فشانی برای تصمیم و سیاستی شوند که هیچ نقشی در آن نداشته اند. و در همه جنگ با دشمن خارجی که کل کشور میشود پادگان، هر سوازی و اعتراضی تنها با دادگاه صحرایی جواب میگیرد، یعنی اعدام.

مرزها جغرافیایی را سیاست مداران تعیین کرده اند که سبب جدایی میان انسانها گشته است. بقول منصور حکمت هیچ خیابانی هم بین مرزها نیست. یک خط روی نقشه یا خیابانی، یا روی یال کوهی میان مردم جدایی انداخته است. جدیداً به عصر فنودالیت برگشت زده اند. از آمریکا تا آسیا و اروپا به کوچکترین بهانه ای دیوار بتی و آهنی احداث میکنند که حتی نتوانی رودخانه آنور مرز که ادامه رودخانه این طرف هست به تماشا بنشین، چون نفع نظام طبقاتی است که میان مردم تفرقه و تبعیض باشد. چون میخواهند نیروی کار از آنچه که هم اکنون هست ارزان تر سازند و این ممکن نیست جز به استیصال کشاندن مردمی که "مهاجر غیر قانونی" خوانده میشوند. ما امروز به اتحاد و همبستگی نیاز داریم که بی قید و شرط باشد، این بازتاب یک نیاز انسانی باشد. انسانیت شرط بردار نیست. مانند آنچه در این روزها در جاده های نرفته سیستان و بلوچستان شاهد هستیم که مردمانی که سخت در تنگنا هستند و همیشه به خشن ترین شکل توسط حکومت اسلامی سرکوب شدند به داد "غیرشهروندان" میرسند که حداقل آبی به دستشان برسانند.

ما به اتحادی نیاز داریم که به آینده چشم دوخته باشد. آینده ای بدون تبعیض و نابرابری برای همه، بدون ملاحظه اینکه شناسنامه فرد از کجا صادر شده است. و این وقتی ممکن میشود که همه ساکنین محدوده مرزهای یک کشور بتوانند در لحظه، در امور سیاسی و اجتماعی خود مشارکت مستقیم و بدون لکنت داشته باشند. اتحاد وقتی ممکن میشود که صحبت از "همه دیگران" مطرح نباشد. بلکه زندگی، (نه به مثابه امری فلسفی بلکه) به معنای ساده و روشن، یعنی حق برخورداری از شادی و رفاه و آزادی و برابری، امری دانسته شود که شایسته هر انسانی است که در ساخت و برپایی این جامعه نقش دارد. و این اتحادی است انسانی و شرافتمندانه.

اعتصاب کارگران آلومینیوم اراک (ایرالکو)

امروز ۲۱ تیر کارگران آلومینیوم اراک (ایرالکو) بنا بر اولتیماتوم قبلی دوباره دست به اعتصاب و تجمع زدند. نیروی انتظامی در هراس از به خیابان کشیده شدن اعتراض کارگران در محل حاضر بودند و علیرغم حضور آنان این تجمع در محوطه کارخانه برگزار شد.

همانطور که قبلاً گزارش کرده بودیم حدود چهارصد نفر از کارگران این کارخانه بیش از دو هفته است که در اعتراض هستند. این کارگران در تجمع روز هجده تیر اولتیماتوم دادند که اگر پاسخ نگیرند به اعتراض گسترده تری دست خواهند زد. در پی این اخطار، این کارگران امروز وارد اعتصاب شدند. اعتراض این کارگران به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین اخراج چند تن از همکارانشان است. بعلاوه اینکه بن کالای رانندگان قرار دادی که با وانت و نیسان شخصی خود در کارخانه مشغول به کار هستند نیز قطع شده است. با اعتراضات پی در پی دو هفته اخیر فضای کارخانه ملتهب است.

در این کارخانه چهارهزار کارگر به کار اشتغال دارند و سهام دار اصلی شرکت شخصی است به نام محسن محمدی که صاحب چندین شرکت دیگر نیز هست و به

از صفحه ۳

از اتحاد ملی تا اتحاد انسانی؛ ...

باشکوه" دارد. یعنی یک روز در این تاریخ وجود ندارد که بدون جلا و جبروت گذشته باشد. برای همین تمام دوران سلوکیان (یک دوره نزدیک به 250 سال!) از این تاریخ باشکوه درز گرفته میشود چون یونانیان بر "ایران ما" حاکم بودند. و یا اگر مثلاً شاهی با یک شیوه اسب به قدرت میرسد (داریوش اول)، حرفی درباره اش نمی زند، چون عیب است! از این تاریخ باشکوه هر جا که صحبت از برابری بوده و شورش برای یک زندگی بهتر صورت گرفته است تا آنجا که ممکن است کمترین حرف را برای گفتن وجود دارد و منابع تاریخی ناقص میشود! اما در عوض، وقتی شاهی دستور داده همان شورشیان را با سر تو چاه آهک فرو برند، آن شاه را با صفت عادل یاد میکنند. در این تاریخ باشکوه بارها و بارها درازای تمام این تاریخ مردم کشتار شدند و خانه هایشان ویران شده، آواره گشته اند این همه را اما لازمه تاریخ میدانند.

بهرحال تاریخ تاریخ است و قرار نیست شاهی و امیری را از دل تاریخ بیرون بکشیم و محاکمه اش کنیم. منتها مشکل آنجاست میهن پرستان برای اینکه به همه آن دیگران و غیر شهروندان ثابت کنند شما درجه دوم محسوب میشوید. نمادهای سه هزار سال پیش را علم کرده اند. و از آنجا که در نزد ایشان وطن دوستی در ایران دوستی ذوب میشود، "شاعری حماسه سرا" (فردوسی)، در بطن حماسه ای که توصیف میکند چنین می سراید: "چون ایران نباشد تن من مباد/ بدین بوم و بر زنده یک تن مباد؛ مشکل این نیست که چرا شاعری در هزار سال پیش این را سروده است، مشکل آنجاست که وطن دوستان، میهن پرستان و خاک پرستان از نوع ایرانی آن، این شعر را شعار سیاسی امروزشان کردند و این عملاً یک تهدید علیه جامعه است. این روزها جمهوری اسلامی سخت به این شعارها نیاز پیدا کرده است.

اتحاد ملی و وطن دوستی یعنی اینکه ابتدا به ساکن، من نوعی که ساکن محدوده معینی جغرافیایی هستم بدون چون و چرا باید این مرز را مقدس بدانم. کاری نکنم و چیزی نخواهم که داخل این مرز به هم بریزد. در محدوده این مرز کسانی هستند که ما مردم را "همه دیگران" محسوب میکنند. ایشان همان "تصمیم سازان" هستند که

بهانه افغانستانی ستیزی از سربار بودن تا جاسوسی برای اسرائیل - مهران محبی



توسعه و رونق اقتصادی کشورهای میزبان نقشی بسزا دارند.

اما در ایران تحت حاکمیت حکومت دزد و فاسد که اقتصاد همواره به دلایل سیاسی از جمله ماجراجویی های منطقه ای و بین المللی و دنبال کردن پروژه های موشکی و هسته ای

رژیم با هزینه های هزاران میلیارد دلاری با بحران مواجه بوده و امروز به بن بست کامل کشیده شده، علی رغم سود سرشاری که با بهره برداری های فوق سودجویانه کارفرمایان از نیروی کار مهاجران به اقتصاد به طور کلی رسانده می شود، رژیم همواره ناگزیر به انداختن تقصیر گرانی و گسترش بیکاری در جامعه بر گردن مهاجران افغانستانی بوده است. ولی امروز وضع به کلی فرق کرده است. موقعیت جمهوری اسلامی علاوه بر جنبه اقتصادی، از جوانب سیاسی و حاکمیتی با بن بست مواجه گردیده که امروز اخراج گسترده مهاجران افغانستانی پاسخی به زعم خود برای جان به در بردن است و از اینرو است که با اتهامات امنیتی از قبیل جاسوسی برای اسرائیل به موازات ایجاد فضای امنیتی در جامعه، دست به بازداشت همراه با اخراج گسترده مهاجران افغانستانی زده است.

به دنبال شکست از اسرائیل، انسجام رژیم به شدت دچار بحران و لرزش شده و بخش زیادی از خودی ها و طرفدارانش نسبت به ناتوانی های امنیتی و نظامی حکومت و عدم توانایی آن در حفظ جان شان گرفتار بی اعتمادی و بی اطمینانی عمیق شده اند. بنابراین سران رده بالای جمهوری اسلامی باید برای روحیه و اطمینان دادن به نیروهای به هم ریخته خودشان، خودی نشان دهند و بگویند که اوضاع آن طور که در افکار عمومی و در محافل و مجامع خارجی و رسانه های شان جاری است، وخیم و وحشتناک نیست. معلوم است که رژیم در خارج از مرزهای ایران کاملاً شکست خورده و توان هیچ گونه واکنشی برای نمایش جبران شکست اش را ندارد، در نتیجه ناگزیر به تشدید سرکوب و ایجاد نوعی از حکومت نظامی و بگیر و ببند و اعدام زندانیان سیاسی و یورش به مهاجران افغانستانی با توجیه خنثی سازی نفوذ اطلاعاتی موساد شده است.

اما این تلاش های سرکوبگرانه برای رژیم هیچ روزنه ای را نخواهد گشود. با همه این تقلاها برای پنهان کردن شکست و فروپاشی ماشین نظامی و امنیتی، هر روز علی رغم آتش بس در نقاطی از کشور مراکز نظامی و امنیتی و حکومتی رژیم مورد حمله اسرائیل قرار می گیرد و همه سران و فرماندهانش مجبورند مدام مکان های خود را تغییر دهند. خامنه ای بعد از ظاهر شدن در شب عاشورا دوباره به مخفیگاه رفته و خبری از اش نیست. اسرائیل مدام ترور می کند ولی سران حکومت به خاطر مجبور نشدن به دادن پاسخ متقابل، انکار و پنهانکاری می کنند.

در نتیجه رژیم نه تنها نمی تواند اعتماد نیروهایش را جلب کند و به آنها روحیه دهد، بلکه تلاشش برای ایجاد فضای امنیتی در کنار برخوردهای فاشیستی با مهاجران افغانستانی که به عبث با هدف به اصطلاح انسجام ملی برای حراست از امنیت و حاکمیت ملی از نفوذ خارجیان که منظور مهاجران افغانستانی هستند را دنبال می کند، به ایجاد انسجام و همبستگی بیشتر در جامعه برای مقابله با حکومت انجامیده است.

جمهوری اسلامی تا قبل از شکست اش از اسرائیل در جنگ دوازده روزه، فشار بر مهاجران افغانستانی را با بهانه اینکه مهاجران سربار اقتصاد و عامل بیکاری در جامعه هستند، توجیه می کرد و تلاش می کرد که از این طریق حمایت مردم و مخصوصاً کارگران و بخش عظیمی از جامعه که از بیکاری و فقر در رنج و تنگنا هستند را جلب کند.

افغانستانی ستیزی تا پیش از جنگ دوازده روزه یکی از راهکارهای رژیم برای رفع مسؤولیت خود از ایجاد بحران اقتصادی و گسترش بیکاری در جامعه بوده است که با اعتراضات و افشاکاری های تشکل ها و فعالان کارگری و سیاسی مواجه شده و دستش رو شده است.

این ادعای رژیم که مهاجران افغانستانی سربار اقتصاد ایران، مفتخور و عامل بیکاری در جامعه هستند، حتی از نظر اقتصاد سیاسی (اقتصاد سرمایه داری مبتنی بر تولید سود) و با استناد به وقایع تاریخی هم دروغی بیش نیست.

چرا که در اقتصاد سرمایه داری که تنها بر مبنای تولید سود کار می کند و هر لحظه با تکرار آن ادامه حیات می دهد، و آن هم از طریق استثمار کارگر (بکارگیری نیروی کار بی اجرت و بدون مزد) که در رابطه کار و سرمایه در روند تولید محقق می شود و چون مزد رابطه ای معکوس با میزان دستمزدی دارد که کارفرما به کارگر می پردازد، بنابراین در شرایط برابر (یعنی در دو مورد تولید که میزان سرمایه بکار گرفته شده یکسان باشد) در هر مورد که میزان دستمزد کارگر کم (نیروی کار ارزان) باشد، به میزان آن به سود کارفرمای آن اضافه می گردد و بر این مبناست که اقتصادها تمایل به بکارگیری نیروی کار ارزان کارگرانی دارند که از کشورهای فقیر اقتصادی فقیر مهاجرت می کنند. واقعیت این است که مهاجران افغانستانی در ایران بیشتر از هر مهاجری که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده اند، مورد بهره برداری کارفرمایان قرار گرفته و بعلاوه توسط حکومت و نهادها و مزدورانش به عناوین مختلف و به طور ویژه مورد سواستفاده های مالی قرار گرفته اند.

مهاجران در هر کشوری خاموش ترین کارگرانی هستند که نیروی کار خود را به ارزان ترین قیمت به کارفرمایان مخصوصاً در بخش های کشاورزی، دامداری، ساختمانی، معدن و کارگاه های زیر زمینی و بازیافت زباله که از شمول قانون کار کشور مهاجر پذیر خارج هستند، می فروشند. نه از امنیت محیط کار برخوردار هستند و نه از حمایت بیمه های اجتماعی و درمانی بهره ای می برند و از این نظر هزینه هایی که کارگران بومی علاوه بر اختلاف دستمزد مستقیم به عنوان بخش های دیگری از دستمزد بر کارفرمایان و دولت تحمیل می کنند را از دوش کارفرمایان و دولت بر می دارند.

مهاجرت نیروی کار، پدیده ای همزاد نظام طبقاتی از برده داری تا سرمایه داری است که گاه از طریق اسارت و گاه با اختیار تحت اجبار فرار از فقر و گرسنگی صورت گرفته است که از مهاجرت های محلی (مهاجرت از روستا به شهر) تا مهاجرت ها و کوچ دادن های اجباری از کشوری به کشور دیگر طی قرون گذشته از کشورهای مستعمره مانند آفریقا و آسیا به کشورهای استعمارگر مانند اروپا و از جنوب آمریکا به شمال آن در حافظه تاریخ ثبت شده و امروز هم جریان دارد. مهاجران، نیروی های کاری هستند که از حقوق شهروندی مساوی با شهروندان بومی محرومند و به همین خاطر از انواع تبعیضات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رنج می برند، در حالیکه نیروی کار ارزانشان در ایجاد اضافه ارزش و سود برای کارفرمایان و

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



در باره بیانیه میرحسین موسوی: گذار نرم بختی ندارد!

حسن صالحی

بیانیه میرحسین موسوی درباره جنگ اخیر میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، که در آن بر ضرورت برگزاری رفراندومی برای تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی، آزادی زندانیان سیاسی، و «تغییری آشکار در رویکردهای رسانه ملی» تأکید شده است، واکنش‌ها و بحث‌های گسترده‌ای را برانگیخته است.

این اقدام میرحسین موسوی، که زمانی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی بود، نشانگر وخامت اوضاع و بلند شدن بوی الرحمان حکومت است.

در آستانه‌ی سقوط حکومت پهلوی نیز شاهد بودیم که شماری از مقامات پیشین، در موضعی انتقادی با رژیم سلطنتی قرار گرفتند. اما آن تجربه تاریخی گواه آن است که چنین کنش‌هایی نتوانست نظام سلطنتی را نجات دهد، و در اینجا نیز چنین تحولاتی نخواهد توانست مردم را از سرنگونی حکومت دینی در ایران بازدارد.

این ریزش‌ها و عبور چهره‌های سابق از جمهوری اسلامی، انگیزه و امید بیشتری به مردم می‌دهد تا با نیرو و اعتمادبه‌نفس بیشتری، مبارزه‌ی خود را برای سرنگونی این نظام ادامه دهند. چنین تحولاتی می‌تواند مردم را در مسیر کنار زدن کامل این رژیم ضدبشری و همه‌ی بقایای آن مصمم‌تر و یکپارچه‌تر سازد.

"گذار نرم" از جمهوری اسلامی، به همان اندازه با واقعیت امروز ایران بی‌ارتباط است که زمانی "اصلاحات در درون نظام" بی‌ربط بود. اصلاح‌طلبی حکومتی با فریادهای مردم در اعتراضات آبان ۹۸، جایی که شعار "اصلاح‌طلب، اصولگرا—دیگه تمومه ماجرا" سر داده شد، به تمامی به تاریخ پیوست.

بی‌تردید، ایده‌ی "گذار نرم" نیز به همان سرنوشت دچار خواهد شد و جایگاهی در مسیر اراده‌ی معترض و آگاه مردم نخواهد داشت.

به میرحسین موسوی باید گفت: مجلس مؤسسان قانون اساسی پیشکش—آیا شما حاضرید صراحتاً از حکومت بخواهید که از سیاست‌های جنگ افروزان خود، از جمله دشمنی با آمریکا، شعار نابودی اسرائیل، پیگیری برنامه‌ی هسته‌ای،

غنی‌سازی اورانیوم و تولید موشک‌های بالیستیک دست بردارد و به جای این سیاست‌های ویرانگر، به فکر مردم و رسیدگی به درد و مشکلات مردم باشد؟!

بعلاوه این "گذار نرم" از جمهوری اسلامی دیگر چه سیغه‌ای است؟ مردم ایران خواهان سرنگونی کامل این رژیم ضد بشری هستند. سرنگونی جمهوری اسلامی نیز فقط به معنای تغییر قانون اساسی و یا وارد کردن اصلاحاتی در آن نیست. سرنگونی حکومت اسلامی یعنی از قضا انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت که شما در بیانیه خود برای آنها دعا و صلوات فرستاده‌اید.

سرنگونی جمهوری اسلامی یعنی نه فقط قانون اساسی ملغی شود که قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی تماماً بدور انداخته شود. نابودی جمهوری اسلامی یعنی اینکه نه فقط ولایت فقیه بلکه کلیه حاکمین کنونی اعم از ولی فقیه، رئیس‌جمهور و همه مقامات دولتی خلع ید شود. سرنگونی جمهوری اسلامی یعنی اینکه دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم منحل شوند. و بالاخره سرنگونی این رژیم یعنی اینکه کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند فوراً بازداشت و بطور علنی در دادگاه‌های عادلانه محاکمه شوند. مردم ایران به کمتر این راضی نمی‌شوند!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام - حسن صالحی

گسترده‌ای یافته و در اجتماعات اعتراضی، با صدایی بلند فریاد زده می‌شود. به پشتوانه همین گسترش، اکنون حتی در بیانیه‌های مقامات پیشین حکومت مثل میرحسین موسوی و یا حزب اعتماد ملی بر ضرورت آزادی فوری زندانیان سیاسی تأکید می‌شود. فراگیر شدن این خواست، بطور قطع فشار اجتماعی و سیاسی برای تحقق آن را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش داده است.

در همین حال رسانه‌ی امنیتی فارس، با لحنی تهدیدآمیز، خواستار تکرار اعدام‌های سال ۱۳۶۷ شده است—سال‌هایی که هزاران زندانی سیاسی، بدون دادرسی، به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. این رسانه بازداشت‌شدگان اخیر را جاسوس و وابسته به مוסاد معرفی کرده و خواهان مجازاتی مشابه شده است.

تاکنون جمهوری اسلامی شش نفر را به اتهام "جاسوسی" اعدام کرده است. اکنون، پنج زندانی در ارومیه و سه نفر دیگر در زندان سپیدار اهواز، در صف اعدام قرار دارند. اگر چه جمهوری اسلامی قادر نیست جنایات مشابه سال ۱۳۶۷ را تکرار کند اما همین تهدید و خطر اعدام، یک زنگ هشدار است. لغو مجازات اعدام باید به یک خواست فوری، محوری و سراسری تبدیل شود.

یکی از پیامدهای جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، برجسته‌تر شدن ضرورت مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بود. حمله نظامی اسرائیل به زندان اوین و کشته شدن شماری از زندانیان، توجه جامعه را به خطری فوری جلب کرد: جان زندانیان سیاسی بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید است.

با تخریب بخش‌های زیادی از اوین، بسیاری از زندانیان به شکلی غیرانسانی به زندان‌های قرچک و زندان بزرگ تهران منتقل شدند؛ مکان‌هایی که در آن زندانیان با ازدحام، فقدان امکانات اولیه بهداشتی، کمبود غذا و آب آشامیدنی، تهویه ضعیف، هجوم حشرات و نبود خدمات پزشکی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این وضعیت فاجعه‌بار، جامعه را عمیقاً نگران کرده و خواست آزادی زندانیان سیاسی را به خواستی فوری و عمومی بدل کرده است.

امروز، آزادی زندانیان سیاسی دیگر فقط خواسته خانواده‌ها و فعالان سیاسی نیست. این مطالبه، در بیانیه‌های متعددی که از سوی نهادهای مدنی، گروه‌های مردمی، استادان دانشگاه و فعالان در داخل و خارج کشور منتشر می‌شود، بازتاب



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره مصوبه مجلس اسلامی تحت عنوان «تشدید مجازات جاسوسی»

طرح تشدید مجازات جاسوسی هم نجاتتان نخواهد داد!

نیروهای سرکوب و حزب‌اللهی‌هایتان نیز دیش‌های ماهواره‌ای دارند و رسانه‌های معاند! را دنبال می‌کنند و نیمی از باندها و چهره‌های حکومتی نیز حتی در همین صداوسیما بدترین نوع افشاگری را علیه‌تان انجام می‌دهند. هر چه اوضاعتان بحرانی‌تر می‌شود ابعاد و عمق اختلافات هم بیشتر و افشاگری‌تان علیه یکدیگر تندتر و گسترده‌تر می‌شود.

این مصوبه مجلس اوباش اسلامی نیز که اعدام و زندان‌های سنگین را به رخ جامعه می‌کشد، کمکی به تداوم عمر رژیم منحوسان که پایش لب گوراست و خودی‌هایش را هم نمی‌تواند مهار کند، نخواهد کرد.

جامعه سراپا خشم و نفرت است از سیاست‌هایتان، از اقتصادتان، از فسادتان، از مفتخوری‌ها و دزدی‌هایتان، از سیاست‌های اتمی و موشکی و نیابتی‌تان، از حجابتان، از اسلام‌تان، از رهبر و مقامات و فرماندهانتان، از ارگان‌های سرکوبتان، از آیت‌الله‌ها و نهادهای مذهبی‌تان و از بنیادهای نظامتان.

با تمام قوا در مقابلتان خواهیم ایستاد و این طرح و همه طرح‌های ضد انسانی‌تان را همراه با نظام کثیف‌تان به زباله‌دان تاریخ خواهیم انداخت. شما، تک تک مقامات و فرماندهان و رهبرتان که به سوراخ خزیده است، نیز بهتر از هر کس میدانید که رفتنی هستید.

بهترین پاسخ به این طرح و طرح‌های متعددی که برای سرکوب و اعدام و زندان توسط اوباش اسلامی تصویب می‌شود، گسترش مبارزه در همه زمینه‌ها است. فراخوان ما به همه مردم، به فعالین کارگری و دانشجویی، فعالین حقوق زن، جوانان و معلمان، هنرمندان و دادخواهان، نویسندگان و همه مردم معترض و آزاده در داخل و خارج کشور این است که اتحاد و همبستگی‌مان را تقویت کنیم، تشکل‌هایمان را گسترش دهیم، و این طرح و همه طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان‌مان را بر سرشان خراب کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ تیرماه ۱۴۰۴، ۱۴ جولای ۲۰۲۵

بالاخره پس از رفت و آمد طرح مجلس در مورد تشدید مجازات جاسوسی بین مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس اصلاحات پیشنهادی شورای نگهبان و کل طرح را تصویب کرد. طرحی که بوی خون می‌دهد و قرار است انتقام شکست‌های خفت‌بار حکومت را از مردم بگیرد.

محور اساسی این مصوبه مساله جاسوسی و همکاری با اسرائیل و نیز هر نوع فعالیت سیاسی و تبلیغی علیه جمهوری اسلامی و تضعیف روحیه نظام و مجازات اعدام و حبس‌های بسیار سنگین است. اما این مصوبه نه کمکی به جاسوسی‌یابی می‌کند و نه مانع فعالیت سیاسی و رسانه‌ای و تبلیغی علیه حکومت خواهد شد.

تا جایی که به جاسوسی و همکاری با اسرائیل مربوط می‌شود، جاسوسان در بالاترین رده‌های حکومتی و نیروهای مسلح و با استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات جاسوسی مشغول فعالیت‌اند. کسانی که به سری‌ترین اطلاعات حکومت از جمله جلسات شورای امنیت که به مخفی‌ترین شکلی برگزار می‌شود، مکان زندگی و تردد فرماندهان و دانشمندان اتمی و مقامات حکومت و اسناد اتمی دسترسی دارند. فرماندهان سپاه در نشست با خامنه‌ای در دیماه ۱۴۰۱ به صراحت اعلام کردند که نیروهای تحت امرشان از نظام عبور کرده‌اند و با مبلغ ناچیزی حاضر به فروش اطلاعات هستند. اگر چیزی تغییر کرده ضربه‌پذیرتر شدن حکومت، عبور بیشتر نظامیان از نظام، بی‌افقی و بی‌روحیه‌گی بیشتر در میان آنها است.

باید به سران حکومت در مانده جمهوری اسلامی اعلام کرد که اوضاعتان خرابتر از این است که این طرح کمکی به شما و حفظ جانتان بکند. ۴۶ سال است هر نوع فعالیتی را ممنوع کرده‌اید و هزاران مصوبه علیه مردم، علیه احزاب سیاسی، علیه سازماندهی یا عضویت در هر نوع حزب و تشکل مخالف یا نهادهای مدنی و اجتماعی صادر کرده‌اید اما امروز فعالیت سیاسی و تشکل‌یابی علیه نظامتان هزاران بار بیشتر شده است. صدها هزار نفر با استفاده از شبکه‌های اجتماعی از صبح تا شب علیه‌تان فعالیت می‌کنند و توده مردم در صف گوشت و نان علیه‌تان فریاد می‌زنند و در تجمعاتشان علیه‌تان شعار می‌دهند. تعداد بینندگان رسانه‌های معاند نیز با بینندگان برنامه‌های صداوسیما منفورتان قابل مقایسه نیست. حتی مقامات و

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ... از صفحه ۶

این دو سنگر گره خورده است: آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام. ما باید به حکومت نشان دهیم که زندان، شکنجه و چوبه دار نمی‌تواند ما را به سکوت وادار کند. برعکس، با اتحاد بیشتر در برابر سرکوب می‌ایستیم، برای برچیدن چوبه‌های دار و گشودن درهای زندان‌ها به پا می‌خیزیم.

آزادی زندانیان سیاسی، پیش‌درآمد هر انقلاب است. پیش از سقوط هر دیکتاتوری، درهای زندان باید شکسته شوند و آنها را خواهیم شکست. اکنون، این فرصت پیش روی ماست. با قدرت اتحاد، می‌توانیم صحنه‌هایی بیافرینیم که در حافظه‌ی تاریخ بمانند- و سرانجام، روز سقوط این دیکتاتوری را جشن بگیریم!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و توقف اعدام‌ها، نه فقط برای نجات جان انسانها و دفاع از حرمت و کرامت انسانی آنها مهم است بلکه سنگر‌هایی حیاتی در مبارزه با سرکوب‌اند. رژیم تلاش می‌کند شکست‌هایش را با سرکوب گسترده جبران کند؛ پاسخ ما به این تقلاهای سرکوبگرانه باید ایستادگی، اتحاد، و تعرض به جمهوری اسلامی باشد.

پیشروی جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" بویژه به پیشروی و مبارزه گسترده در

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



رژیم اسلامی، در سنت تمام عیار فاشیستی، "دشمن" می‌سازد تا خشم عمومی را از فساد، فقر، و بحران مشروعیت خود منحرف کند. مهاجر افغانستانی، امروز نه فقط مهاجر، بلکه "عامل بیکاری"، "افزایش جرم"، "تهدید فرهنگی"، "جاسوس اسرائیل" و حتی "خطر تغییر ترکیب جمعیتی" معرفی می‌شود. رژیمی که در مرزها شکست خورده، حال در خیابان‌ها می‌خواهد انتقام بگیرد؛ از بی‌دفاع‌ترین و بی‌صداترین‌ها. اما ما فراموش نمی‌کنیم: مهاجران افغانستانی بخشی از طبقه‌ی کارگر ایران‌اند. آنان دهه‌هاست که در مزارع، کارگاه‌ها، ساختمان‌ها و خانه‌های ما کار می‌کنند. بی‌صدا، بی‌حق، بدون بیمه، بدون قرارداد. آنان نه "دیگری"، که هم‌سرنوشت ما در این جهنم طبقاتی‌اند.

فاجعه‌ای که اکنون در حال وقوع است، نه فقط حمله به مهاجران افغانستانی، که حمله به بنیادهای همبستگی انسانی و طبقاتی است. سکوت در برابر آن، به معنای مشروعیت‌بخشی به فاشیسم، به تبعیض نژادی، به جنایت سازمان‌یافته‌ای است که در سایه بی‌خبری جهانیان و بی‌عملی نهادهای بین‌المللی در حال رخ دادن است. مقاومت در برابر این جنایت، وظیفه‌یست انسانی، سیاسی، و تاریخی. بیانیه‌ها، هشتگ‌ها، حمایت‌های مردمی، اعتراضات، و همبستگی‌ها، همه اینها نشانه‌های روشن آن‌اند که جامعه ایران هنوز روح انسانی خود را از دست نداده است. باید این صداها را تقویت کرد؛ باید گفت: پناهندگی جرم نیست، نژادپرستی و تبعیض جرم است. ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۵

پشت مرزهای نان و نژاد: جنایت سازمان یافته علیه پناهندگان افغانستانی - ناصر اصغری

در هیاهوی بحران‌های اقتصادی، شکست‌های منطقه‌ای، و سرکوب‌های درون‌مرزی، جمهوری اسلامی بار دیگر کارت قدیمی و کثیف نژادپرستی و نفرت‌پراکنی را از آستین بیرون کشیده است. این بار قربانی، نه فقط طبقه‌ی کارگر معترض یا زن آزادی‌خواه در خیابان‌های ایران، بلکه صدها هزار انسان مهاجر و پناهنده از افغانستان هستند که به جرم "دیگری بودن"، گرفتار ماشین بی‌رحم اخراج، تحقیر، و رهاشدگی‌اند.

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، رژیم اسلامی، با وقاحتی بی‌نظیر و بی‌پروا تر از همیشه، پروژه گسترده‌ای از اخراج اجباری و بی‌قانون مهاجرین افغانستانی را به راه انداخته است. طبق گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، تنها از مرز اسلام‌قلعه، بیش از ۷۰۰ هزار نفر به افغانستان بازگردانده شده‌اند؛ بسیاری از آنها کودکان، زنان، سالمندان، بیماران و فراریان از رژیم طالبان‌اند. بیش از ۷ هزار کودک بی‌سرپرست، بدون همراه، در بیابان‌های مرزی رها شده‌اند؛ آن هم در گرمای کشنده و در نبود آب، غذا، دارو، یا حتی سایه‌ای از امکانات زیستی. اما این فقط آغاز ماجراست. آنچه در جریان است، پاکسازی قومی در سکوت جهان است.

هزاران نفر با مدارک معتبر، پرونده‌های پناهندگی باز، یا حتی مجوز رسمی کار، بی‌هیچ روند قانونی و با توهین، ضرب و شتم، تحقیر و ارباب، از خانه‌ها، محل کار، مدارس و بیمارستان‌ها بیرون کشیده شده و به مرز پرتاب شده‌اند. در اقدامی یادآور دهه‌های تاریک فاشیسم، نانوایی‌ها از فروش نان به افغانستانی‌ها منع شده‌اند؛ اعلامیه‌های "ممنوع‌الفروش" بر درهای مغازه‌ها نصب شده؛ گشت‌های امنیتی برای شناسایی و شکار مهاجران برپا شده‌اند؛ و مردمی که خود قربانیان فقر و استبدادند، به کمک ارتش سایبری و تبلیغات مسموم رسانه‌های حکومتی، علیه فقیرتر از خود تحریک می‌شوند.



دو هفته است هیچ‌گونه واریزی به حساب نانوایان انجام نشده است و آنها نه توان خرید آرد دارند، نه امکان پرداخت حقوق کارگران خود را و در این شرایط سخت، مدیران سامانه نانوینو نیز نانوایان را سر می‌دوانند. عجیب تر اینکه اخیراً گزارش شده که از حساب برخی نانوایان، بدون هیچ‌گونه واریزی قبلی، مبالغی بین ۳ تا ۴ میلیون تومان برداشت شده‌است و حتی اگر در حساب‌هایشان موجودی نداشته‌اند مبالغی به صورت منفی کسر شده است. این وضعیت خشم و نگرانی نانوایان را دوچندان کرده است. نانوایان بر سراسری بودن بحران نانوائی اشاره کرده و اعلام نمودند که از روز شانزدهم تیرماه سایر شهرها نیز به این موج اعتراضی خواهند پیوست.

نانوایان که زیر فشار افزایش هزینه‌ها، کمی درآمد، قطع برق و آب، ناسالم بودن آرد تحویلی و... قرار دارند و از عملکرد مافیایی نانوینو خشمگین هستند، اولتیماتوم داده‌اند که اگر این وضعیت ادامه یابد، اعتصاب و تعطیلی گسترده نانوائی‌ها را به طور سراسری در تمام استان‌ها به جریان خواهند انداخت. از خواسته‌ها و اعتراضات نانوایان وسیعاً پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۷ تیر ۱۴۰۴، ۸ ژوئیه ۲۰۲۵

نانوایان دوباره به میدان می‌آیند

امروز هفدهم تیر ماه نانوایان مشهد در اعتراض به عملکرد نانوینو و با خواست کوتاه شدن دست این سامانه، در محل اتحادیه نانوایان تجمع کرده و با تحویل کارت‌خوان‌های نانوینو، به‌طور رسمی اعلام کردند که حاضر به ادامه همکاری با این سامانه مافیایی و رانت خوار نیستند. اعتراض نانوایان به واریز با تاخیر طلب نانوایان در تسویه حساب فروش نان، قطع مکرر سامانه در ساعات کاری، ایجاد محدودیت در برداشت از حساب‌ها و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان است و بخاطر آن اعتراضات گسترده و سراسری ای داشته‌اند.

در رابطه با همین موضوعات امروز نانوایان رشت نیز مقابل فرمانداری و اتحادیه نانوایان تجمع کرده و به نشانه پایان همکاری با سامانه رانت خوار نانوینو کارت‌خوانها را به مسئولان پس دادند.

پیش از این نانوایان چندین شهر دیگر کشور از جمله در بجنورد و کنگاور در روز گذشته و در یزد و سقز در سیزدهم تیرماه پیوند خود را با "نانوینو" بریده بودند. نانوایان با شعار "نان ما گروگان سامانه نانوینو نیست" بر حذف نانوینو تاکید دارند.

در شهر سقز در سیزدهم تیرماه نانوایان در اعتراض به مشکلات معیشتی و صنفی، و بازداشت تعدادی از همکاران خود از سوی نهادهای امنیتی، دست به اعتصاب زدند. در ارومیه نیز جمعی از نانوایان طی بیانیه‌ای خواسته‌های اعتراضی خود را اعلام کردند.

نانوایان یزد در حرکت اعتراضی خود در سیزدهم تیرماه اعلام داشتند که بیش از

اعتراض زندانیان فشافویه و بیانیه دو نهاد اعدام نکنید و دادخواهان علیه حکم اعدام پنج نفر از بازداشت شدگان زن زندگی آزادی و اخباری دیگر



در ایران - توقف فوری همه اعدام ها و لغو کامل مجازات اعدام در ایران!
حزب کمونیست کارگری از این همصدایی حمایت میکند و بر متحد شدن حول این دو خواست فوری تاکید میکند.

خبر دیگر مربوط به بی خبری از وضعیت حسین میر بهاری چهره شناخته شده مدافع حقوق کودک و مهدی فراخی شاندیز معلم زندانی است. حسین میر بهاری در سی ام خرداد ماه بازداشت شد. و بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان مهدی فراخی شاندیز، در جریان تجمعی که با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران برگزار شد، با ضرب و شتم شدید بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. از آن زمان تاکنون، هیچ خبر موثقی از وضعیت جسمی، حقوقی یا محل دقیق نگهداری او منتشر نشده است. پس از بمباران زندان اوین، تنها نشانه حیات او، یک تماس کوتاه بوده است. این بی خبری ها موجب نگرانی خانواده و همگان شده است. حسین میر بهاری، مهدی فراخی شاندیز و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۲ تیر ۱۴۰۴، ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵

صبح شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ "حشمت الله حیات الغیب" رییس کل سازمان زندان های استان تهران، با حضور در زندان تهران بزرگ (فشافویه) تصمیم داشت که از زندانیان اوین که بعد از حمله اسرائیل به آنجا منتقل شده اند به بهانه پیگیری شرایط آن ها، گزارشی تصویری تهیه کند. این اقدام با اعتراض گروهی زندانیان سیاسی مواجه و فیلمبرداری متوقف شد. طبق گزارشات منتشر شده وقتی زندانیان متوجه شدند که حیات الغیب و گروه همراه او به منظور تهیه گزارشی تصویری نمایشی به منظور وانمود کردن توجه و پیگیری رییس سازمان زندان های کشور و همراهان او وارد زندان شده اند، اعتراض کرده و اجازه فیلم برداری نداده و با سردادن شعارهای اعتراضی از جمله «مرگ بر دیکتاتور» (باعث شدند که حیات الغیب و همراهان او سالن ۹ تیپ ۲ زندان تهران بزرگ را ترک کنند.

جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام گسترده است. و کارزاری با تاکید بر این دو خواست جریان دارد که جهانی است. دو نهاد اعدام نکنید و دادخواهان طی بیانیه ای تحت عنوان "همصدا شویم" با اعلام اعتراض علیه حکم صادر شده اعدام برای پنج نفر از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی به اسامی رزگار بیگزاده بامیری، پژمان سلطانی، سوران قاسمی، کاهه صالحی و تیغور سلیمی بامیری و هشدار به تهدید خطر اعدام آنها بر آزادی زندانیان سیاسی و توقف اعدامها تاکید کردند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است "ما خانواده های محکومین به اعدام با فریاد "اعدام نکنید" همراه با "دادخواهان" که زخم جنایت حکومتی را در طی چهل و شش سال گذشته، برتن دارند، همراه با ۷۶ امین هفته کارزار سه شنبه های نه به اعدام، احکام غیر انسانی قتل حکومتی را قویا محکوم کرده و از همه انسانهای آزادیخواه و نهادهای مدافع حقوق انسان و حقوق بشر میخواهیم، برای نجات جان انسانهایی که در چنگال حکومت اعدام و کشتار و زندان اسیر هستند، همصدا شویم: آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی

علیه اخراج افغانستانی ها و اعدامها اعتراض کنیم!

جمهوری اسلامی، در پی شکست های نظامی و سیاسی خود پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، به جان افغانستانی های ساکن ایران افتاده و دست به اخراج وسیع و گسترده آن ها زده است. در عین حال، تهدید اعدام را همچنان بالای سر جامعه نگه داشته و با اجرای حکم اعدام حداقل شش زندانی سیاسی به اتهام جاسوسی برای اسرائیل و تهدید به اعدام های بیشتر - نظیر پنج زندانی سیاسی اهل کردستان در زندان ارومیه و سه زندانی اهل اهواز در زندان سپیدار. دارد از مردم انتقام می گیرد.

حمله فاشیستی به افغانستانی های ساکن ایران، که البته سابقه ای طولانی تر دارد، در شرایط کنونی به ابزاری برای سرکوب جامعه نیز تبدیل شده است. جمهوری اسلامی امیدوار است با تحریک احساسات زهرآلود ناسیونالیستی، حمایت بخشی از مردم را با خود همراه کند.

مردم ایران بارها با شعار "مرگ بر طالبان، چه کابل چه تهران" همبستگی خود را با مردم افغانستان نشان داده اند و بر هم سرنوشتی خود تاکید کرده اند. موج کمک های انسانی، به ویژه در بلوچستان، به مهاجران افغانستانی بار دیگر نشان می دهد که ما مردم، فارغ از محل تولدمان، با یکدیگر دشمنی نداریم. دشمن واقعی کسانی هستند که می خواهند ما را به جان هم بیندازند و در میان مان نفرت بکارند. نفرت ما باید متوجه کسانی باشد که این وضعیت را برای ما رقم زده اند؛ یعنی طالبان و جمهوری

اسلامی. "غیرقانونی" اعلام کردن افغانستانی هایی که در ایران با انجام کارهای سخت و طاقت فرسا نان زحمت خود را درمی آورند و همزمان از بسیاری از امکانات و حقوق انسانی نیز محروم اند، چیزی جز بی حرمتی به کرامت انسانی نیست.



کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن محکوم کردن شدید برخوردهای فاشیستی جمهوری اسلامی با افغانستانی های ساکن ایران و اخراج گسترده آن ها، همه آزادی خواهان در ایران و جهان را فرامی خواند که به این رفتار شنیع و ضد انسانی جمهوری اسلامی اعتراض کنند. در عین حال، ما همه را فرامی خوانیم که در اعتراض به اعدامها در ایران، که افغانستانی ها نیز بخشی از قربانیان آن هستند، متحدانه به میدان بیایند و در برابر رژیمی که در سودای انتقام گرفتن از مردم است، هر چه بیشتر قد علم کنند.

نه این رفتارهای فاشیستی با افغانستانی های ساکن ایران و نه اعدام و زندان، جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۰ تیر ۱۴۰۴ - ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۵



- بیخبری از وضعیت حسین میر بهاری چهره شناخته شده مدافع حقوق کودک که در سی ام خرداد ماه بازداشت شد موجب نگرانی خانواده و همگان شده است. -از مهدی فراخی شاندیزکه در جریان تجمعی که با فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران برگزار شد، با ضرب و شتم شدید بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. خبری نیست. پس از بمباران زندان اوین، تنها نشانه حیات او، یک تماس کوتاه بوده است.

شنبه ۲۱ تیر:

- جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی در اراک در اعتراض به روند کند پیشرفت پروژه شرکت کیسون و تحویل خانه هایشان، با حضور در اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی، دست به تجمع و تحصن زدند. - نانوایان در شهرهای مختلف بخاطر مشکلات معیشتی و کاری خود، در اتاق اصناف تهران تجمع کردند و اعلام داشتند که اگر جواب نگیرند اعتراضاتشان را در سطح استان به پیش خواهند برد. اعتراض نانوایان به درآمد ناچیز و گرانی های روز افزون، واریز نشدن یا تأخیر شدید در تسویه حساب فروش نان، قطع مکرر سامانه در ساعات کاری، ایجاد محدودیت در برداشت از حساب ها، کاهش سهمیه آرد و قطع یارانه ها و بی پاسخ ماندن مطالباتشان است.

- متقاضیان طرح مسکن ملی زعفرانیه بیرجند در اعتراض به عدم تحویل خانه هایشان و به سرقت رفتن پولهایی که بابت مسکن داده اند تجمع کردند. دو هزار خانواده سایت زعفرانیه بیرجند خواستار فوری خانه های وعده داده شده شان هستند.

- کارگران آلومینیوم اراک (ایرالکو) بنا بر اولتیماتوم قبلی دوباره دست به اعتصاب و تجمع زدند. حدود چهارصد نفر از کارگران این کارخانه بیش از دو هفته است که در اعتراض هستند. اعتراض این کارگران به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین اخراج چند تن از همکارانشان است. بعلاوه اینکه بن کالای رانندگان قرار دادی که با وانت و نیسان شخصی خود در کارخانه مشغول به کار هستند نیز قطع شده است. با اعتراضات پی در پی دو هفته اخیر فضای کارخانه ملتهب است.

- بیش از ۶۰۰ کارگر شاغل در شرکت مدیریت طرح های صنعتی ایران (IPMI) در فاز ۱۴ پارس جنوبی طی طوماری اعتراضی خواهان پرداخت معوقات مزدی سه ماهه خود همراه با پرداخت خسارت دیرکرد آن شدند.

- طی هفته های گذشته، هزاران راننده در سراسر کشور با پیوستن به کارزاری سراسری، خواستار آن شدند که شغل آنها رسماً در فهرست مشاغل سخت و زیان آور قرار گیرد. این کارزار با استقبال گسترده رانندگان کامیون، اتوبوس، تانکر، ترانزیت و دیگر وسایل حمل و نقل سنگین مواجه شد.

جمعه ۲۰ تیر: کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به مشکلات معیشتی با ترک محل کار و با خواست افزایش دستمزدها و پرداخت بموقع آن اعتصاب خود را آغاز کردند.

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۲۳ تیر:

- حدود هشتصد نفر از کارگران شیفت صبح کارخانه آلومینیوم اراک در ادامه بیش از دو هفته اعتراض خود بخاطر مشکلات معیشتی و کاری شان تجمع کرده و در اعتراض به مدیریت، به هیچکس جز کارگران کارخانه، اجازه ورود به کارخانه نمی دادند. این کارگران روز گذشته نیز تجمع داشتند.

یکشنبه ۲۲ تیر:

- بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت بار دیگر و بنا به فراخوانی از قبل اعلام شده همراه با شماری از معلمان به خیابان آمده و با سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی - جان فدا می کنیم در ره آزادی سرداده و پیگیر خواستها و مطالباتشان شدند.

- جمعی از نانوایان تهران در پی تجمع در مقابل ساختمان وزارت کشور و بی پاسخ ماندن مطالباتشان، دست به راهپیمایی اعتراضی به سمت استانداری تهران در میدان آرژانتین زدند. دریافتی پایین، گرانی های روزافزون، کاهش سهمیه نان، حذف یارانه ها و بساط مافیایی نانیو موضوعات اعتراضی نانوایان در سطح سراسری است. - پرسنل دانشگاه علوم پزشکی ايرانشهر بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماهه و نبود قرارداد رسمی مقابل درب ورودی این دانشگاه تجمع کردند. - کارگران شهرداری در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه خود تجمع و اعتراض کردند.

- دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و کارگران ارکان ثالث نفت طی بیانیه ای مشترک تحت عنوان "اخراج شهروندان افغانستانی سرکوب طبقه کارگر و کل جامعه است" اخراج شهروندان افغانستانی را سیاستی کاملاً فاشیستی و سرکوب طبقه کارگر و کل جامعه خوانده و آنرا محکوم کردند.

- صبح این روز "حشمت الله حیات الغیب" رییس کل سازمان زندان های استان تهران، با حضور در زندان تهران بزرگ (فشافویه) تصمیم داشت که از زندانیان اوین که بعد از حمله اسرائیل به آنجا منتقل شده اند به بهانه پیگیری شرایط آن ها، گزارشی تصویری تهیه کند. زندانیان که متوجه هدف آنها برای تهیه گزارش تصویری نمایشی جهت وانمود کردن توجه و پیگیری به زندان آمده اند، ابا سردادن شعارهای اعتراضی از جمله «مرگ بر دیکتاتور» باعث شدند که حیات الغیب و همراهان او سالن ۹ تیپ ۲ زندان تهران بزرگ را ترک کنند.

- دو نهاد اعدام نکنید و دادخواهان طی بیانیه ای تحت عنوان "همصدا شویم" با اعلام اعتراض علیه حکم صادر شده اعدام برای پنج نفر از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی به اسامی رزگار بیگزاده بامیری، پژمان سلطانی، سوران قاسمی، کاوه صالحی و تیغور سلیمی بامیری و هشدار به تهدید خطر اعدام آنها بر آزادی زندانیان سیاسی و توقف اعدامها تاکید کرده و نوشتند: همصدا شویم: آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - توقف فوری همه اعدام ها و لغو کامل مجازات اعدام در ایران!





۱۷ تیر: ادامه سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۴۷ زندان کشور

امروز هفدهم تیرماه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفتاد و ششمین هفته خود در ۴۷ زندان مختلف ادامه دارد. اعضای این کارزار در بیانیه هفتگی خود تحت عنوان "مرعوب نشویم و از حق حیات هموطنانمان دفاع کنیم" و در آستانه سالگرد قیام تیرماه ۱۳۷۸، بعنوان قیامی که مقدمه‌ای برای اعتراضاتی شد که در سال‌های بعد، در ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ ادامه یافت، یاد جان‌باختگان آن را گرامی داشته و بر تداوم اعتراضات تا رسیدن به آزادی و اعاده حق تعیین سرنوشت از سوی مردم، تاکید کرده‌اند.

در ادامه اعضای کارزار نگرانی عمیق و خشم فزاینده خود را نسبت به موج تازه اعدام‌ها و تشدید سرکوب‌های امنیتی در سراسر کشور اعلام کرده و بر اینکه از ابتدای تیرماه تاکنون، دست‌کم ۲۴ تن اعدام شده‌اند و آمار اعدام‌ها از آغاز سال ۱۴۰۴ تاکنون به ۴۲۸ مورد رسیده اشاره کرده و این ارقام هولناک را تنها نمایانگر بخشی از نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر در ایران خوانده‌اند.

در بیانیه کارزار علاوه بر موج جدید اعدام‌ها، بر موارد بیشتری از سرکوب و خشونت مرگبار علیه مردم توسط حکومت از جمله قتل دو جوان در همدان و حمله مسلحانه به زنان در روستای گونیچ از توابع خاش که به جان‌باختن دو زن از اهالی منجر شد، اشاره شده و این را نمونه‌ای بارز از ماهیت زن‌ستیزانه این حکومت و هراس از اعتراضات مردمی و تلاش برای ارباب جامعه دانسته است. اعضای کارزار همچنین صدور حکم اعدام برای ۵ زندانی سیاسی رزگار بیگزاده‌بابامیری، پژمان سلطانی، سوران قاسمی، کاهه صالحی و تیغور سلیمی‌بابامیری، که در خیزش ۱۴۰۱ دستگیر شده‌اند، را قویاً محکوم کرده‌اند. آنها جامعه بین‌المللی، نهادهای حقوق بشری و مردم آگاه و آزادیخواه را فرا خوانده‌اند که نسبت به سرنوشت زندانیان

دو‌تابیعی، همچون احمدرضا جلالی که در شب بمباران زندان اوین به‌طرز غیرانسانی توسط نهادهای سرکوبگر امنیتی ربوده شده و اکنون خطر اعدام بالای سرش هست، حساس باشند و در دفاع از "حق حیات" شهروندان و زندانیان محکوم به اعدام، تمام‌قد بایستند.

بالاخره اینکه اعضای کارزار از همه نهادها و فعالان حقوق بشری خواستار شده‌اند که فشارشان را برای شفاف‌سازی وضعیت زندانیان افزایش دهند و خواستار بازدید از زندان‌ها و گفت‌وگو با زندانیان سیاسی شوند و اجازه ندهند صدای این زندانیان در زندان‌ها خاموش شود. افشاکاری زندانیان سیاسی تبعیدی به زندان‌های تهران بزرگ و قرچک، تنها گوشه کوچکی از وضعیت غیرانسانی حاکم بر زندان‌های کشور است. وقتی زندان‌های پایتخت چنین است معلوم است که چه جنایاتی در سایر زندان‌ها به خصوص در مورد زندانیان عادی و گمنام رخ می‌دهد. در خاتمه اعضای کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام مینویسند: "ما خواستار لغو فوری تمامی احکام اعدام در ایران هستیم و باور داریم مردم ایران، همگام با دیگر ملت‌های تحت ستم، این مسیر مقاومت و ایستادگی را تا پیروزی و رهایی ادامه خواهند داد.

در این روز همچنین به روال هفته‌های گذشته جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام خواستار آزادی زندانیان در این شرایط شدند. از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام وسیعاً پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۷ تیر ۱۴۰۴، ۸ ژوئیه ۲۰۲۵

کارگران در هفته‌ای که گذشت...

از صفحه ۱۰

پنجشنبه ۱۹ تیر:

- جمعی از اعضای سندیکا به دیدار ابراهیم مددی از اعضای قدیمی و از بنیان‌گذاران سندیکای کارگران شرکت واحدست که در روز چهارشنبه ۱۱ تیر، پس از تحمل یکسال حبس مربوط به پرونده‌ی روز جهانی کارگر ۱۳۹۴، از زندان آزاد شده بود رفتند. در همین روز اعضای سندیکا همچنین به دیدار داود رضوی، از اعضای باسابقه‌ی هیأت مدیره‌ی سندیکا رفتند که در حال حاضر در مرخصی از زندان به‌سر می‌برد. داود رضوی با پنج سال زندان، از ۵ مهر ۱۴۰۱ در حبس است و با وجود سن ۶۵ سال و ابتلا به بیماری‌های متعدد، همچنان زندانی است و با آزادی مشروط او موافقت نمی‌شود.

چهارشنبه ۱۸ تیر:

- مالباختگان بورس در مقابل ساختمان سازمان بورس در تهران تجمع کردند و با بلند کردن فریاد اعتراضی خود پیگیر اندوخته‌هایشان شدند.

سه‌شنبه ۱۷ تیر:

- کارگران ماشین‌سازی اراک که در نزدیکی ایرالکو قرار دارد بخاطر مشکلات کاری و معیشتی خود بصورت قاشق‌زنی در ناهارخوری دست به اعتراض زدند. اعتراض این کارگران به سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت بموقع حقوق و مزایای مزدی خود، تعویق هفت ماهانه پرداخت حق بیمه و قطع شدن خدمات درمانی حداقلی، عدم پرداخت حق اضافه‌کاری برخی از کارگران، و سوءاستفاده مدیریت از وجوه مالی

کارکنان و دزدی‌های پشت پرده است.

- نانویان مشهد در اعتراض به عملکرد نانینو و با خواست کوتاه شدن دست این سامانه، در محل اتحادیه نانویان تجمع کرده و با تحویل کارت‌خوان‌های نانینو، به‌طور رسمی اعلام کردند که حاضر به ادامه همکاری با این سامانه مافیایی و رانت خوار نیستند.

- نانویان رشت نیز مقابل فرمانداری و اتحادیه نانویان تجمع کرده و به نشانه پایان همکاری با سامانه رانت خوار نانینو کارت خوانها را به مسئولان پس دادند.

- کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفتاد و ششمین هفته خود در ۴۷ زندان مختلف ادامه دارد. در این روز همچنین به روال هفته‌های گذشته جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام خواستار آزادی زندانیان در این شرایط شدند.

دوشنبه ۱۶ تیر:

- حدود چهارصد نفر از کارگران کارخانه آلومینیوم اراک (ایرالکو) از دو هفته پیش در بخاطر قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز اخراج چند تن از همکارانشان در تجمع و اعتراض هستند. این کارگران در این روز نیز بنا بر قرار قبلی دست از کار کشیده و تجمع کردند. در این کارخانه حدود چهار هزار کارگر به کار اشتغال دارند و بخش‌های مختلف آن به پیمانکاران سپرده شده و فضای کارخانه بشدت اعتراضی و ملتهب است.



و تلاش اینست که بار این بحران را بر گرده مردم سوار کند. از همین رو با لکت زبان از چرخشی شدن ساعات خاموشی صحبت میکنند. بعلاوه در حالیکه حکومت با چپاولگریها و جنگ افروزی هایش زندگی مردم را نابود کرده است، مشترکان صنعتی و کشاورزی را در مصرف برق مقصر اعلام کرده و خواستار اجرای تعهدات کاهش مصرف برق شده است.

- بنا به گزارشی آتل بندی تیر برق در خیابان‌های کوت عبدالله؛ خطر آفرین است که سقوط آنها برای مردم فاجعه آفرین است. این مساله به موضوع اعتراض و تمسخر مردم تبدیل شده است.

- آلودگی هوا به معضلی سراسری در سطح جامعه تبدیل شده است. در این روز هوا در بسیاری از استانها و بویژه در یازده شهر خوزستان از جمله در شهرهای اهواز، هندیجان و هویزه قرمز و ناسالم برای همه گروهها اعلام شد.

سه‌شنبه ۱۷ تیر:

- کارزار سه شنبه های نه به اعدام هفتاد و ششمین هفته خود را در ۴۷ زندان کشور از جمله در زندانهای شبیان و سپیدار (بند زنان و مردان) در اهواز و زندان بهبهان در خوزستان پشت سر گذاشت.

- میلاد فغفوری، ساکن بهبهان، روز ۷ تیر توسط نیروهای اطلاعات سپاه در این شهر بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد و خبری از او نیست. این بی خبری و دستگیری وی موجب نگرانی خانواده وی شده است.

- ۳۷۸ فلر نفتی (مشعل سوزی) فعال در جنوب کشور فعالند که ۳۴ فلر بحرانی فقط در اهواز است. در نتیجه روزانه بیش از ۳ میلیون فوت مکعب گازسوزی در مناطق نفتی اطراف اهواز صورت میگیرد که نسبت به گذشته ۲۳۹٪ گازسوزی افزایش پیدا کرده است. زیر فشار اعتراضات مردم حکومت وعده تعطیلی همه فلرها تا پایان ۱۴۰۲، را داده بود. اما اجرایی نشد.

- حکم حقوقی بشرط امضای تعهدنامه موضوعی خبر ساز در نیشکر هفت تپه شده است. بنا بر گزارشات پیرو تعهدنامه منع افشای اسناد محرمانه شرکت هفت تپه مدیریت امور اداری بصورت تلفنی مدیریت از کارگران خواسته است که فرم تعهد نامه را امضا نمایند تا حکم افزایش مزدشان را دریافت کنند. کارگران در اعتراض به این تصمیم سرکوبگرانه اعلام کردند که اینجا محرمانه ای وجود ندارد و تعهد گرفتن از کارگران اعم از رسمی و قراردادی توهینی آشکار به آنانست.

دوشنبه ۱۶ تیر:

- هواشناسی کشور وضعیت هوا را در ۲۱ استان کشور بحرانی اعلام کرد و این

از خوزستان خبر میرسد؟

۶-۱۳ تیر ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۰ تیر:

- سال گذشته، اخراج ناگهانی بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت "پارس طبیعت سلولز" به تیر اصلی رسانه ها تبدیل شد. شرکتی که در ابتدا همراه با "کاغذپارس" نماد موفقیت در واگذاری به بخش خصوصی معرفی می‌شد، اما حالا به نمونه‌ای روشن از استثمار وحشیانه کارگر تبدیل شده است.

شرکت کاغذپارس در شوش، به قیمت ناچیز و به‌عنوان شرکتی زیان‌ده واگذار شد؛ اما مالکان جدید با راه‌اندازی خطوط فرسوده و تعدیل گسترده نیرو، حداکثر سود را از آن استخراج کردند. سپس، با استفاده از تسهیلات کلان بانکی، شرکت جدیدی با نام "پارس طبیعت" را بنیان نهادند. بعد هم با فروش آن در بورس سود چند لایه ای به جیب زدند. در نتیجه اعتراضات کارگری، ابعاد تازه‌ای از دزدی های پشت پرده این ماجرا روشن شد.

در سال‌های گذشته کارگران در کاغذپارس و شرکت‌های تابعه‌اش بخاطر مشکلات کاری و معیشتی خود بارها دست به اعتراض زدند. کارگرانی که به حقوق معوقه، قراردادهای ناپایدار، و اخراج تدریجی بدون شفافیت دست به تجمع و اعتراض زدند اما هر بار، با تاکتیک‌هایی مثل تعویق قرارداد، فشار روانی و اخراج‌های قطره‌چکانی، صدایشان خاموش شد. امروز دیگر اخراج‌ها یک‌باره نیست. آن‌ها "به اصطلاح" حقوق را می‌دهند، اما فشار روانی، بلاتکلیفی و حذف تدریجی کارگران را طوری مدیریت که اوضاع تحت کنترلشان باشد. از جمله تنها در روزهای اخیر، ۸ کارگر دیگر با بهانه‌های واهی تا اطلاع ثانوی کنار گذاشته شده اند تا در عمل، اخراج شوند. به گفته کارگران اکنون تعطیلی تولید و خاموشی کارخانه، برای این صاحبان سرمایه، سودآورتر از کار کردن آن باشد.

پنجشنبه ۱۹ تیر:

خطر اعدام سه زندانی در سپیدار اهواز به اسامی علی مجدم، معین خنفرین و محمدرضا مقدم را تهدید میکند. این زندانیان روز پنجشنبه ۵ تیر به‌طور ناگهانی از بند عمومی به سلول انفرادی منتقل شده‌اند؛ اقدامی که معمولاً به عنوان مقدمه اجرای حکم اعدام تلقی می‌شود. آنها در سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ بازداشت شدند و از سوی دادگاه انقلاب اهواز به اتهام "همکاری با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی"، "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" به اعدام محکوم شده‌اند و حکم اعدامشان از سوی دیوان عالی نظام جمهوری اسلامی تایید شده است.

چهارشنبه ۱۸ تیر:

- معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر با اشاره به افزایش بی سابقه دمای هوا در هفته‌های اخیر، پیش بینی کرد در روزهای آینده افزایش دما و گرما به اوج خود برسد و این موضوع می‌تواند منجر به افزایش قابل توجه مصرف برق مشترکان شود. محسن ذبیحی معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر از تمام شرکت‌های توزیع خواست تا ۳۶ برنامه مدیریت مصرف را با دقت اجرا کرده و از قطعی‌های غیرضروری جلوگیری کنند. این بخشنامه از سوی هراس حکومت از اعتراض مردم بخاطر قطعی های برق را نشان میدهد و از سوی دیگر ناتوان از اداره جامعه با بحران جدی روبرو است

ادامه اعتصاب کارگران آلومینیوم اراک (ایراکو)

کار میکنند کلیه پرسنل شرکت نیروهای قرار داد مستقیم کارخانه هستند. سهام دار اصلی شرکت فردی به نام محسن محمدی است که صاحب چندین شرکت دیگر نیز هست. کارگران اعلام کرده اند تا وقتی جواب نگیرند به اعتراضشان ادامه خواهند داد. امروز همچنین جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی در اراک برای دومین روز در اعتراض به روند کند پیشرفت پروژه شرکت کیسون و تحویل خانه هایشان، با حضور در اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی، دست به تجمع و تحصن زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ تیر ۱۴۰۴، ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵

امروز دوشنبه بیست و سوم تیرماه حدود هشتصد نفری از کارگران شیفت صبح کارخانه آلومینیوم اراک در ادامه بیش از دو هفته اعتراض خود بخاطر مشکلات معیشتی و کاری شان تجمع کرده و به هیچ مراجعه کننده ای که از پرسنل کارخانه نبودند اجازه ورود نمی دادند. این کارگران روز گذشته نیز تجمع داشتند. اعتراض این کارگران به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین اخراج چند تن از همکارانشان است. بعلاوه اینکه بن کالای رانندگان قرار دادی که با وانت و نیسان شخصی خود در کارخانه مشغول به کار هستند نیز قطع شده است. در این کارخانه چهارهزار کارگر به کار اشتغال دارند و به جز صد و هفتاد نفر نیروهای ترابری و حمل و نقل که زیر نظر پیمانکار مشغول

آلودگی هوا در خوزستان

در اهواز وضعیت «خطرناک» اعلام شد

هندیجان و گتوند در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه‌های سنی قرار داشتند. در این روز هوار در شهرهای رامهرمز، دزپارت، ایذه، هفتکل و شوشتر نیز در وضعیت نارنجی و ناسالم برای گروه‌های حساس قرار گرفتند.

جمعه ۱۳ تیر:

- گزارشی از ایذه از انباشت زباله و وضعیت فاجعه بار جدولها و آبروها در تقاطع ۳۶ متری حکایت دارد. منطقه ای که هر روز بوی تعفن و آلودگی در آنجا بیشتر شده و مردم بارها نسبت به آن اعتراض کرده‌اند. از سوی دیگر کابل های برق در کوچه های مختلف خطر آفرین است. این وضعیت اسفناک بسیاری از شهر ها و مردم است.

- روز جمعه ۱۳ تیر فاجعه ای را در شهر شوش شاهد بودیم و دو کودک ۱۰ و ۱۱ ساله در این شهرستان بر اثر انفجار یک مین برجای مانده از جنگ ایران و عراق، جان خود را از دست دادند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۱۳ تیر ۱۴۰۴ / ۵ ژوئیه ۲۰۲۵

از صفحه ۱۲

از خوزستان خبر میرسد:...

بلایی است که سیاست های تخریبی زیست محیطی حکومت بر سر همه مردم آورده است. هواشناسی برای این روز و روزهای بعد از -وزش باد شدید و خیزش گردوخاک و افزایش غلظت آلاینده‌ها، کاهش کیفیت هوا و کاهش دید افقی در استانهای مختلف هشدار داد و خوزستان نیز مثل همیشه در لیست اول است در چنین هوایی میلیون ها مردم در معرض انواع بیماری های قلبی و ریوی قرار گرفته اند و حکومت مافیایی حاکم مسبب همه این بلایا است.

یکشنبه ۱۵ تیر:

-در شرایطی که دمای گرمای هوا بسیار طاقت فرساست. حکومت نویدش به مردم چرخشی شدن قطعی برق است. این درحالیست که گرمای هوا بیداد میکند و در این روز همچون روزهای دیگر وضعیت کیفی هوا در شهرستان حمیدیه در وضعیت بنفش و بسیار ناسالم و در شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش، گتوند، لالی، مسجدسلیمان، اهواز، باغملک، ملاثانی، حمیدیه، هویزه، آبادان، خرمشهر، شادگان، ماهشهر، هندیجان و گتوند در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه‌های سنی گزارش شد.

شنبه ۱۴ تیر:

- اخبار خوزستان اخبار هوای ناسام و قرمز، آب آلوده و بی آبی و گرمای سوزان تابستانی در بی تامینی مطلق مردم است. براساس داده‌های سامانه پایش کیفی هوای کشور در این روز نیز شاخص کیفی هوا در شهرستان حمیدیه در وضعیت بنفش و بسیار ناسالم و شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش، گتوند، لالی، مسجدسلیمان، اهواز، باغملک، ملاثانی، حمیدیه، هویزه، آبادان، خرمشهر، شادگان، ماهشهر،

مشخصات فنی تلویزیون
کانال جدید

یوتل‌ست، فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم
(جهت یاهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

یوتل‌ست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

دردار KANAL
کانال جدید

۲۲ تیر: چند تجمع و اعتراض علیه گرانی ها و دزدی ها و بیانیه ای در دفاع از شهروندان افغانستانی



تجمع اعتراضی بازنشستگان در رشت

امروز ۲۲ تیر بازنشستگان تامين اجتماعي بار ديگر و بنا به فراخوانی از قبل اعلام شده همراه با شماری از معلمان به خیابان آمده و با سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی-جان فدا می کنیم در ره آزادی- ننگ بر این بندگی- ننگ بر این بردگی" پیگیر خواستها و مطالباتشان شدند. تجمع کنندگان همچنین شعار می دادند: "از گیلان تا خوزستان- اتحاد اتحاد" و "کارگر زندانی، معلم زندانی- آزاد باید گردد" "ظلم و ستم کافیه- سفره ما خالیه"، "فعالیت صنفی جرم نیست"، و "کارگر، معلم، کشوری، لشکری- اتحاد".

تجمع اعتراضی نانوایان تهران در مقابل استانداری

ظهر امروز یکشنبه ۲۲ تیرماه جمعی از نانوایان تهران در پی تجمع در مقابل ساختمان وزارت کشور و بی پاسخ ماندن مطالباتشان، دست به راهپیمایی اعتراضی به سمت استانداری تهران در میدان آرژانتین زدند. دریافتی پایین، گرانی های روزافزون، کاهش سهمیه نان، حذف یارانه ها و بساط مافیایی نانیو موضوعات اعتراضی رانندگان در سطح سراسری است و بخاطر آن در روزهای اخیر در شهرهای مختلف تجمعاتی داشته اند. نانوایان اولتیماتوم داده اند که اگر به خواستههایشان پاسخ داده نشود سراسری اعتراض خواهند داشت.

تجمع اعتراضی پرسنل دانشگاه علوم پزشکی ايرانشهر

پرسنل دانشگاه علوم پزشکی ايرانشهر بار ديگر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماهه و نبود قرارداد رسمی مقابل درب ورودی این دانشگاه تجمع کردند. بنا به گزارشات پرسنل شرکتی این دانشگاه، که عمدتاً در بخش های خدماتی، پرستاری و بهداشتی مشغول به کار هستند، ماههاست حقوق خود را دریافت نکرده اند و عدم عقد قرارداد رسمی با شرکت های پیمانکاری، امنیت شغلی آن ها را به خطر انداخته است. تجمع قبلی آنها در ۲۰ تیر برپا شد.

تجمع کارگران شهرداری شادگان

امروز همچنین کارگران شهرداری در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه خود تجمع و اعتراض کردند.

تجمع و تحصن متقاضیان مسکن ملی

روز شنبه ۲۱ تیر ماه جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی در اراک در اعتراض به روند کند پیشرفت پروژه شرکت کیسون و تحویل خانه هایشان، با حضور در اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی، دست به تجمع و تحصن زدند. این پروژه از سال ۱۴۰۰ آغاز شده و شامل حدود ۲۳۰۰ واحد از مجموع ۸۱۱۲ واحد مسکن ملی در استان است. "پروژه های مسکن" در واقع یکی از شیوه های دزدی از دارایی های مردم است که با وعده مسکن پولهایشان بالا کشیده شده است.

بیانیه ای در حمایت از شهروندان افغانستانی رد مرز شده

دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و کارگران ارکان ثالث نفت طی بیانیه ای مشترک تحت عنوان "اخراج شهروندان افغانستانی سرکوب طبقه کارگر و کل جامعه است" اخراج شهروندان افغانستانی را سیاستی کاملاً فاشیستی و سرکوب طبقه کارگر و کل جامعه خوانده و آنرا محکوم کردند. در بخش پایانی این بیانیه چنین آمده است: "ما امضا کنندگان این بیانیه بر توقف فوری اخراج شهروندان افغانستانی و پایان دادن به تحمیل شرایط طاقت فرسای اردوگاههای مرزی بر آنان تاکید و پافشاری داریم. ما همه کارگران و همگان را به حساسیت در قبال این سیاست مهاجر ستیزانه حکومت که کرامت انسانی را در زیر پا له میکند، فرا میخوانیم. به هر شکل ممکن باید با این تعرضات مقابله کرد. همه با هم برای پایان دادن به این فاجعه انسانی کنار هم بایستیم. و از پناهندگان و شهروندان افغانستانی کرامت انسانی خود در برابر حکومت، دفاع کنیم."

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ تیر ۱۴۰۴، ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵



پیش بسوی اعتصابات سراسری!

اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک، طومار اعتراضی کارگران در عسلویه، و خبری دیگر



کارزار سراسری، خواستار آن شدند که شغل آنها رسماً در فهرست مشاغل سخت و زیان آور قرار گیرد. این کارزار با استقبال گسترده رانندگان کامیون، اتوبوس، تانکر، ترانزیت و دیگر وسایل حمل و نقل سنگین مواجه شد. در واکنش به این مطالبه سراسری و زیر فشار اعتراضات رانندگان کامیون، جلسه ای با حضور مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، به همراه تعدادی از مقامات کارگری و کارفرمایی برگزار شد. در این نشست، روند اصلاح آیین نامه بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور آغاز شد و اعلام گردید که پیش نویس اصلاحیه با همکاری وزارت کار، وزارت بهداشت، سازمان تأمین اجتماعی و نمایندگان تشکل های کارگری و کارفرمایی تدوین شده و در مسیر اجرا قرار دارد. این مصوبه یک موفقیت برای رانندگان کامیون است. اما اینکه چه زمان اجرایی خواهد شد روشن نیست و رانندگان کامیون پیگیر آن هستند.

طبق گزارشاتی دیگر بر اساس آمار غیر رسمی فقط در بخش کالا حدود ۶۰۰ هزار راننده فعال وجود دارد و حدود ۵۰۰۰ هزار شرکت حمل و نقلی نیز در بخش کالا به کار اشتغال دارند. با احتساب شمار رانندگان اتوبوس و مالکان اتوبوس و رانندگان سواری کرایه، و احتساب رانندگان شرکت های حمل و نقل مسافر، رقم کارکنان حوزه حمل و نقل جاده ای در کشور به یک میلیون نفر میرسد. سازمان تأمین اجتماعی بارها اعلام کرده که با توجه به شرایط اقتصادی، توان پرداخت هزینه های سنگین ناشی از بازنشستگی زودتر از موعد این تعداد از رانندگان را ندارد. اما روشن است که نمیتواند به بهانه کمبود بودجه، از انجام قانونی که می تواند وضعیت زندگی صدها هزار خانواده را بهبود ببخشد، سرباز زند. رانندگان کامیون پیگیر اجرای این قانون و دیگر مطالبات خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۹ تیر ۱۴۰۴، ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۵

کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به مشکلات معیشتی خود از روز گذشته با ترک محل کار و با خواست افزایش دستمزدها و پرداخت بموقع آن اعتصاب خود را آغاز کردند. کارگران به سطح نازل حقوقها که آنهم بصورت قسطی در دو سه نوبت پرداخت میشود معترضند و خواستار استعفای مدیرعامل کارخانه هستند. به گفته کارگران حق بیمه آنها هفت ماه است که پرداخت نشده و باعث قطع خدمات درمانی حداقلی آنان شده است. بعلاوه حق اضافه کاری برخی از کارگران پرداخت نشده است و بساط چپاول و رانت خواری برقرار است. در این کارخانه نزدیک به چهار هزار کارگر به کار اشتغال دارند.

- کارگران ایرالکو نیز همانطور که قبلاً گزارش کردیم اولتیماتوم داده اند که اگر تا شنبه بیست و یکم تیرماه پاسخ نگیرند دست به اعتراضی وسیعتر خواهند زد. همراهی کارگران در کارخانجات همجوار همچون همپکو، واگن پارس، آذر آب و کمباین سازی با این اعتراضات و شرکت فعال خانواده ها که در این شهر سنت دارد، بسیار مبرم و مهم است.

- بیش از ۶۰۰ کارگر شاغل در شرکت مدیریت طرح های صنعتی ایران (IPMI) در فاز ۱۴ پارس جنوبی طی طوماری اعتراضی خواهان پرداخت معوقات مزدی خود همراه با پرداخت خسارت دیرکرد آن شدند. این کارگران سه ماه حقوق و مزایا طلب دارند. و در این رابطه قبلاً نیز اعتراضاتی داشته اند. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در جلسه ای در هفدهم تیرماه با حضور مدیرعامل شرکت IPMI وعده داده شد که تا پایان ماه بخشی از حقوق معوق کارگران پرداخت خواهد شد. اما پرداخت پاداش ها و مزایای مناسبتی از بهمن ۱۴۰۳ به بعد تحت این عنوان که این پرداختها "در شرکت دولتی موضوعیت قانونی ندارد" ملغی خواهد شد. ضمن اینکه مدیریت از برنامه ریزی برای اخراج بخشی از کارکنان تا پایان شهریور تحت عنوان "چابک سازی شرکت" خبر داد. این در حالی است که بسیاری از کارگران فعلی سابقه ای بیش از ۱۴ سال همکاری با IPMI دارند. این تعرضات گستاخانه، خشم کارگران را برانگیخته و فضایی از اعتراض در میان کارگران ایجاد کرده است. کارگران اعلام کرده اند که اگر به خواسته هایشان پاسخ داده نشود دست به اعتراض وسیعتر خواهند زد.

- خبرها در رابطه با رانندگان کامیون که اعتصاب قدرتمندی را پشت سر گذاشته اند، حاکی است که طی هفته های گذشته، هزاران راننده در سراسر کشور با پیوستن به

تجمع اعتراضی نانویان در تهران و خبری دیگر

ماندن خواسته هایشان دست به اعتراضات سراسری خواهند زد. گفتنی است که امروز بیست و یکم تیرماه حکومت نان را ۵۰ درصد گران کرد. حکومت با این کار میکوشد مردم را مقابل نانویان قرار دهد. اما در اعتراضات سراسری نانویان در دور قبل دیدیم که چگونه مردم از مبارزات نانویان به بساط مافیایی نانیو و قطعی های برق حمایت کردند. خواست نانویان کوتاه شدن دست نانیو، و پرداخت یارانه و عدم محدودیت در اختصاص آرد و بهبود شرایط زندگی شان است. از مبارزات آنها وسیعاً حمایت کنیم.

امروز همچنین متقاضیان طرح مسکن ملی زعفرانیه بیرجند در اعتراض به عدم تحویل خانه هایشان و به سرقت رفتن پولهایی که بابت مسکن داده اند تجمع کردند. دو هزار خانواده سایت زعفرانیه بیرجند خواستار فوری خانه های وعده داده شده شان هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۱ تیر ۱۴۰۴، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵

در ادامه اعتراضات نانویان در شهرهای مختلف بخاطر مشکلات معیشتی و کاری خود، امروز آنان در در اتاق اصناف تهران تجمع کردند و اعلام داشتند که اگر جواب نگیرند اعتراضاتشان را در سطح استان به پیش خواهند برد.

اعتراض نانویان به درآمد ناچیز و گرانی های روز افزون، واریز نشدن یا تأخیر شدید در تسویه حساب فروش نان، قطع مکرر سامانه در ساعات کاری، ایجاد محدودیت در برداشت از حسابها، کاهش سهمیه آرد و قطع یارانه ها و بی پاسخ ماندن مطالباتشان است. نانویان میگویند ما نان پخت می کنیم، اما پولی به دستمان نمی رسد. با این شرایط نه می توانیم آرد بخریم، نه حقوق کارگر را بدهیم. یک اعتراض آنان به مافیای "نانینو" است و در این رابطه در روزهای اخیر در شهرهای مختلف از جمله در یزد، مشهد، کنگان، سقز، ارومیه، رشت جمعاعتی برپا کرده و کارت خوانهای نانیو را پس دادند. نانویان اعلام کرده اند که در صورت بی پاسخ



خواست نانوایان کوتاه شدن دست نانیو، و پرداخت یارانه و عدم محدودیت در اختصاص آرد و بهبود شرایط زندگی شان است. از مبارزات آنها وسیعاً حمایت کنیم. امروز همچنین متقاضیان طرح مسکن ملی زعفرانیه بیرجند در اعتراض به عدم تحویل خانه هایشان و به سرقت رفتن پولهایی که بابت مسکن داده اند تجمع کردند. دو هزار خانواده سایت زعفرانیه بیرجند خواستار فوری خانه های وعده داده شده شان هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ تیر ۱۴۰۴، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی نانوایان در تهران و خبری دیگر

در ادامه اعتراضات نانوایان در شهرهای مختلف بخاطر مشکلات معیشتی و کاری خود، امروز آنان در در اتاق اصناف تهران تجمع کردند و اعلام داشتند که اگر جواب نگیرند اعتراضاتشان را در سطح استان به پیش خواهند برد. اعتراض نانوایان به درآمد ناچیز و گرانی های روز افزون، واریز نشدن یا تأخیر شدید در تسویه حساب فروش نان، قطع مکرر سامانه در ساعات کاری، ایجاد محدودیت در برداشت از حسابها، کاهش سهم آرد و قطع یارانه ها و بی پاسخ ماندن مطالباتشان است.

نانوایان میگویند ما نان پخت می کنیم، اما پولی به دستمان نمی رسد. با این شرایط نه می توانیم آرد بخریم، نه حقوق کارگر را بدهیم. یک اعتراض آنان به مافیای "نانینو" است و در این رابطه در روزهای اخیر در شهرهای مختلف از جمله در یزد، مشهد، کنگان، سقز، ارومیه، رشت تجمعاتی برپا کرده و کارت خوانهای نانیو را پس دادند. نانوایان اعلام کرده اند که در صورت بی پاسخ ماندن خواستههایشان دست به اعتراضات سراسری خواهند زد. گفتنی است که امروز بیست و یکم تیرماه حکومت نان را ۵۰ درصد گران کرد. حکومت با این کار میکوشد مردم را مقابل نانوایان قرار دهد. اما در اعتراضات سراسری نانوایان در دور قبل دیدیم که چگونه مردم از مبارزات نانوایان به بساط مافیایی نانیو و قطعی های برق حمایت کردند.

اخراج شهروندان افغانستانی سرکوب طبقه کارگر و کل جامعه است



کارگران و همگان را به حساسیت در قبال این سیاست مهاجر ستیزانه حکومت که کرامت انسانی را در زیر پا له میکند، فرا میخوانیم. به هر شکل ممکن باید با این تعرضات مقابله کرد. همه با هم برای پایان دادن به این فاجعه انسانی کنار هم بایستیم. و از پناهندگان و شهروندان افغانستانی و کرامت انسانی خود در برابر حکومت، دفاع کنیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)
۲۱ تیر ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

بدنبال آتش بس جنگ دوازده روزه، حکومت اسلامی در کنار دامن زدن به تبلیغات میهن پرستانه و ضد خارجی، موج وسیعی از اخراج پناهندگان و شهروندان افغانستانی را به بهانه های امنیتی و نظامی و "جاسوسی برای اسرائیل" و غیره به راه انداخته است. طبق گزارشات تنها در یک ماه گذشته ۴۵۰ هزار از این شهروندان که عمدتاً از کارگران و یخش محروم جامعه و از هم طبقه ای ها ما هستند، اخراج شده اند. در موارد بسیاری کارفرمایان نیز از فرصت استفاده کرده و از پرداخت دستمزدهای معوقه این کارگران سر باز زده و بدلیل اخراجهای اجباری همان ناچیز امکانات زیستی آنها نیز از بین رفته است. فاجعه بار تر اینکه بنا به گزارشات در میان آنها حداقل بیش از پنج هزار کودک جدا شده از خانواده هایشان هستند.

اخراج شهروندان افغانستانی یک سیاست کاملاً فاشیستی و سرکوب طبقه کارگر و کل جامعه است. این اقدام شیخ مصدافی از زیر پا گذاشتن انسانیت در جهت به عقب بردن معیارهای انسانی علیه همه ما مردم است. ما کارگران در ایران سیاست غیرانسانی اخراج اجباری شهروندان افغانستانی توسط حکومت اسلامی را شدیداً محکوم میکنیم و آنرا تعرضی به کارگران و کل جامعه میدانیم.

ما امضا کنندگان این بیانیه بر توقف فوری اخراج شهروندان افغانستانی و پایان دادن به تحمیل شرایط طاقت فرسای اردوگاههای مرزی بر آنان تأکید و پافشاری داریم. ما همه

کرامت انسانی مرز نمیشناسد

ما با صدایی واحد، به سیاستهای غیرانسانی اخراج اجباری شهروندان افغانستانی توسط حکومت جمهوری اسلامی اعتراض می کنیم. این اقدام که بر پایه تبعیض، بیگانه هراسی و نادیده گرفتن کرامت انسانی انجام می شود، مصداق روشنی از نقض حقوق بشر و پایمال کردن اصول انسانی است.

در همین حال، جان زندانیان سیاسی در ایران در معرض خطر جدی قرار دارد. این زندانیان، به دلیل فعالیت های مدنی، سیاسی یا بیان آزادانه عقاید خود، تحت شرایطی غیرانسانی، تحقیرآمیز و بدون دسترسی به حقوق اولیه در زندان های خارج از تهران نگهداری می شوند.

**به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!**

ما خواستار توقف فوری اخراج مهاجران افغانستانی و تأمین حقوق کامل زندانیان سیاسی در ایران هستیم. برخوردهای تبعیض آمیز، سرکوب گرایانه و ناقض کرامت انسانی باید به سرعت متوقف شود.

مهاجرت جرم نیست و آزادی اندیشه حق مسلم هر انسان است.
شورای بازنشستگان ایران
(برگرفته از مدیای اجتماعی)

تلگرام: @wpi_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com